

یادداشت

از مشکلات اجتماعی تا اعتراض‌های اجتماعی



■ سردار حسین رحیمی*
بی‌شک کوچک‌ترین خدشه به امنیت، باز خورد های سهمگینی، در بخش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خواهد داشت که این مهم خود مبین اهمیت و جایگاه

والای امنیت در جامعه است. امنیت بستر رشد و تعالی فردی و اجتماعی انسان‌ها در مسائل مختلف محسوب می‌شود که خوب است برای تقرب اذهان، امنیت را به هوا و آسودگی تشبیه کنیم. آکسیژن در اطراف ما وجود دارد و بدون آن نمی‌توانیم زندگی کنیم. آکسیژن در این حوزه به وجود بیاید، نفس‌ها به شماره می‌افتند و آنجاست که مردم متوجه ارزش والای آن می‌شوند چرا که بدون هوا آکسیژن زندگی مقدر نیست. بنابراین امنیت به زندگی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود و جان انسان‌ها به مخاطره می‌افتد. امنیت تا وجود دارد کسی قدر آن را به درستی نمی‌داند و در صورتی که از آن، محروم شویم، به حقیقت واقعی آن بی‌خواهیم برد. آنچه مسلم است، امنیت مقوله‌ای فرابخشی و جامع‌الاطراف است که با تلاش و همت جمعی حاصل می‌شود و حتماً برای ایجاد، حفظ و گسترش آن، همه افراد جامعه باید سهم

باشند و باید با حساسیت و وظایف خود را به انجام برسانند. به عنوان مثال صدا و سیما، نقش بسیار بزرگی در اطلاع‌رسانی و انجام عملیات روانی و خنثی کردن توطئه‌ها، سمپاشی‌ها، دروغ‌پردازی‌ها و سیاه‌نمایی‌های دشمنان و معاندان دارد که اگر به درستی، با حساسیت، تعهد و تخصص با اقدامات پیش‌دستانه در شرایط حساس و کلیدی ورود کند، به طور حتم تأثیر سبزی در آگاساری مردم خواهد داشت و نقشه شوم دشمنان را بر ملا خواهد کرد. این رو باید ادعای داشت که اقدامات ایجابی بخش‌های مختلف می‌توانند موجب تثبیت بیش از پیش امنیت در جامعه شوند.

به‌طور حتم امروز شاهد برخی خلا‌ها و مشکلات هستیم که در واقع میراث برخی دولت‌های پیشین است که معضلاتی را در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در پی داشته است که همت و تلاشی مضاعف را می‌طلبد تا این عقب‌ماندگی و کم‌لطفی‌ها که دانسته و ندانسته در حق مردم وا داشته‌اند، در دولت جناب رئیسی به سرعت پیگیری شود. حل و فصل صحیح و سریع مسائل اجتماعی باید مانع از تبدیل آنها به مشکلات اجتماعی شود، از این رو باید مسئولان امر با جدیتی بیش از پیش تلاش کنند به مشکلات و گرفتاری‌های مردم رسیدگی کنند و اجازه ندهند این مشکلات و گرفتاری‌ها تبدیل به اعتراض و کینه و قهقهه شوند.

مردم ولی نعمت مسئولان کشور هستند و مسئولیت توفیقی الهی است که انسان از این بستر می‌تواند گره از مشکلات خلق‌الله بیاورد، پس مسئول موفق کسی است که مشکلات مردم را مرتفع نماید. از نسوی دیگر نباید فراموش کرد مردم ما مردمی قدر شناس، آگاه و خرد هستند و قدر مسئولان متعهد خود را می‌دانند. شکی نیست در ۴۳ ساله که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، دشمنان نیز رنگ‌های بسیاری به کار بستند تا بتوانند مردم را از انقلاب جدا و حتی در مقابل آن قرار دهند و در این مسیر با بزرگ‌نمایی و وارونه‌نمایی حقایق و کتمان توفیقاتی که در طول انقلاب داشته‌ایم، مشکلات و اعتراضات مردمی را شعله‌ور نمایند و اعتراض و انتقادات مردمی را که باید در چارچوب قوانین اعمال شوند، به اغتشاش تبدیل کنند. در این حوزه به قول گفتنی بایک تیر، چند نشان را برزنند اول اینکه مردم را در مقابل نظام قرار دهند، دوم اینکه با شعله‌ور شدن اعتراضات و تبدیل شدن آن به اغتشاش، مزدوران آنها را به اموال عمومی و بیت‌المال خراب می‌زنند و خسارت‌های بسیاری را ایجاد می‌کنند. سوم اینکه در ایجاد سیاسی از این ماجرا نهایت بهره‌براری مفرضانه را می‌برند. مهم‌تر از همه در این فرصت‌ها خود را دایه مهربان تر از مادر نشان می‌دهند و بر آتش فتنه و آشوب می‌دمند.

*** فرمانده انتظامی تهران بزرگ**

کشف جسد مرد ناشناس داخل گونی

مأموران پلیس تهران جسد مرد ناشناسی را که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود، داخل گونی بزرگی کشف کردند.

به گزارش «جوان»، ساعت ۹ صبح دیروز شب ۱۶ مهر قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل داندسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از کشف جسد مردی داخل گونی بزرگی در یکی از خیابان‌های شمال تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه در حوالی منطقه ونک نزدیکی بزرگراه شهید همت با جسد مردی حدوداً ۳۵ ساله داخل گونی روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت به طرز مرموزی فوت کرده‌است. بررسی‌های نشان داد مرد ناشناس در محل دیگری فوت کرده‌از سوی فرد افرادی به این مکان منتقل و رها شده‌است. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ و شناسایی هویت به پزشکی قانونی منتقل شد. مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای رباری روشن شدن زوایای پنهان این حادثه آغاز کرده‌اند.

پلیس مقابل تهدیدات ترکیبی سازمان یافته دشمنان می‌ایستد



پای جان ایستاده‌ایم و مردم هم این را می‌دانند که اگر امروز از شما تقدیر می‌کنند به دلیل همین ایثارگری‌ها است. وی با اشاره به اتفاقات اخیر گفت: تعداد زیادی از همکاران ما در این مدت مجروح و تعدادی نیز به شهادت رسیدند. همکاران من بعد از یک مأموریت چندماهه برای اربعین مستقیماً به شهرها آمدند و کنار مردم بودند و جلوه‌های زیبایی را آفریدند و ما امیدواریم بتوانیم به خوبی وظایف‌مان را انجام دهیم. وی با تأکید بر اینکه بالاترین سرمایه ما سرمایه انسانی ما است، تصریح کرد: ما یک سازمان انسان‌محور در داخل و یک سازمان اجتماعی محور در انجم مأموریت‌ها هستیم و افتخار می‌کنیم مدافع حریم امنیت مردم هستیم و با یک وحدت کامل که بین مدیران و آحاد کارکنان ما در مجموعه‌های مختلف وجود دارد در حال خدمت هستیم و حمایت‌های خوبی را از جانب مسئولان ان‌شاءالله به همراه خواهد داشت.

افزایش پیدا کرده‌است. سردار اشتیری با تأکید بر اینکه امیدوارم بتوانیم خدمات بیشتری به مردم ارائه دهیم، گفت: وظیفه پلیس است که در مقابل مجرمان بایستد و همچنین مقابل افرادی که با اهداف شیطانی سازمان‌یافته و تهدیداتی ترکیبی علیه کشور دارند. ما نمی‌گذاریم امنیت مردم به مخاطره بیفتد و در این عرصه تا

فرمانده فرجا با تأکید بر اینکه ایستادگی مقابل مجرمان و افرادی که با اهداف سازمان یافته، تهدیداتی را علیه کشور رقم می‌زنند، وظیفه پلیس است، گفت که ما نمی‌گذاریم امنیت مردم به مخاطره بیفتد و در این عرصه تا پای جان ایستاده‌ایم. سردار حسین اشتیری در صبحگاه مشترک‌های یگان‌های انتظامی کشور که صبح دیروز برگزار شد، گفت: در هفته انتظامی جمهوری اسلامی ایران تمام سعی و تلاش ما این است که بتوانیم خدمات بیشتری را ارائه دهیم و برای ادامه خدمات با عزمی راسخ و استفاده از فناوری‌های روز و نیروهای مجرب و نخیه فرجا تلاش می‌کنیم. وی ادامه داد: بیش از ۱۰۰ میلیون خدمت در سال از سوی فرجا به مردم ارائه می‌شود و روزانه بیش از ۳۰ هزار مأموریت را انجام می‌دهیم و بیشترین ارتباط را با مردم داریم. سردار اشتیری گفت: باید از مردم بصیر و هوشمندمان تشکر کنیم که از فرزندان خود در



قصاصی مجازات قتل مرد پولدار

■ فاطمه سبور
مرد پولدار را به قتل رسانده‌بود، به قصاص محکوم شد. همدستان متهم نیز به حبس، شلاق و تبعید محکوم شدند.

۱۷ اردیبهشت ۹۹، مأموران کلانتری ۱۴۶ حکمیبه از ناپدید شدن مردی به نام بهنام باخیر شدند. مرد همسایه بعد از تماس با مأموران به آنها گفت: «بهنام، همسایه ماست. چند روزی است، از او خبری نیست و حالا هم از خانه‌اش بی‌ی تعفن می‌آید. نگرانیم برایش اتفاقی افتاده باشد.» بعد از این تماس، مأموران به خانه مورد نظر رفتند و بعد از شکستن قفل در با جسد بهنام در حالی که دست، پا و دماغش بسته شده‌بود و روی زمین افتاده بود، روبه‌رو شدند. جسد به دستور بازپرس ویژه قتل به پزشکی قانونی منتقل شد و بعد از انجام آزمایشات و معاینات، کارشناسان علت فوت را فشار بر عناصر حیاتی گردن اعلام کردند، بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و در روند بررسی‌های تأثر جوهر روی انگشتان دست مقتول نشان داد از او اثر انگشت گرفته شده و قتل از سوی فرد یا افرادی آشنا صورت گرفته‌است.

■ دستگیری عاملان قتل
با به دست آمدن این فرضیه، مأموران با مشاهده فیلم دوربین مداربسته در محل حادثه توانستند خودروی سمند سفیدرنگی را که از سه روز قبل حوالی خانه مقتول رفت و آمد مشکوکی داشت، شناسایی کنند. با شناسایی خودروی مورد نظر سرشناسان آن که یک زن و چهار مرد جوان بودند، ردیابی و بازداشت شدند. در روند بازجویی‌ها زن جوان که وکیل دادگستری می‌بود مورد تحقیق قرار گرفت. او در همان بازجویی‌های اولیه به قتل به همدستی چهار نفر که دو برادر و دو پرستار بخش مراقبت‌های ویژه یک بیمارستان خصوصی بودند، اعتراف کرد. وی در شرح ماجرا گفت: «مدتی قبل تاجر پولداری به نام دارپوش که در زمینه توریس پزشکی فعالیت داشت، سراغم آمد و گفت بیماری را از حوزه خلیج فارس به ایران آورده و با گرفتن پورسانت آنها را به بیمارستان‌ها معرفی می‌کند. او مدعی بود مبلغ ۲۴ میلیارد تومان به مردی به نام بهنام داده تا در زمینه تجهیزات پزشکی سرمایه‌گذاری کند و سود آن را بگیرد. اما با گذشت چند ماه بهنام نه سودی داده‌است و نه پولش را برمی‌گرداند. دارپوش مدرکی از آن مرد نداشت به همین خاطر از من خواست همراه برادرش به نام داوود که دانشجوی رشته حقوق بود و دو پرستار به نام‌های نوید و حمید به خانه بهنام برویم تا سفته‌ها را از او بگیریم. طبق نقشه ابتدا من به پنهان‌حلوای نذری وارد خانه بهنام شدم، سپس دیگر همدستان به خانه آمدند. بهنام وقتی متوجه موضوع شد، مقاومت کرد به همین خاطر داوود و نوید دست و دهن او را بستند که موجب مرگش شد.»

دیگر متهمان نیز تحت بازجویی قرار گرفتند و در روند بازجویی‌ها گفتند دیگر همدستان مأمور پلیس به نام شاهین است. با دستگیری ششمین متهم اما همگی جرمشان را انکار کردند.

■ جلسه محاکمه و صدور حکم متهمان
پرونده با توجه به شواهد و قرآن موجود به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دوم قرار گرفت.

ابتدای جلسه، مادر مقتول در خواست قصاص کرد. در ادامه متهم ردیف اول جرمش را انکار کرد و گفت: «دارپوش برادرم است. او بعد از آشنایی با بهنام فریب خورد و به پنهان شراکت کاری ۶ میلیارد تومان نقد و ۱۸ میلیارد را به صورت چک به او داده‌بود، اما هیچ مدرکی نگرفته بود. این شد که تصمیم گرفتیم با گرفتن مدرک به پولمان برسیم. به همین خاطر همراه نوید و حمید همچنین فریبا به خانه بهنام رفتیم و از او خواستیم سفته‌های را که همراهان هست، امضا کند، اما او تقلا کرد و همین باعث مرگش شد.»

او بارد گزارش پزشکی قانونی گفت: «بهنام خیلی سر و صدا می‌کرد. از ترس همسایه‌ها من و نوید دست و دماغش را با شل بستیم تا سفته‌ها را امضا کند، اما یکبار به متوجه شدیم دست‌هایش حرکت نمی‌کند و از نفس افتاده‌است. نوید، شروع به تنفس مصنوعی کرد. من هم شالی را که دور دماغش بود، باز کردم و آن را دور گردنش انداختم. هیچ فشاری به گردن او وارد نکردیم. اگر دنده‌ها یا استخوان تیرنوید او شکسته شده بود به خاطر عملیات احیا بوده‌است.»

سپس نوید به جایگاه رفت و با تأیید اظهارات همدستش گفت: «من با عملیات احیا تلاش کردم تا او زنده بماند اما بی‌فایده بود. برای گمراه کردن پلیس، تلفن همراه و لپ‌تاپ بهنام را بر داشتیم سپس در رودخانه‌ای رها کردیم.»

دارپوش نیز با انکار جرمش گفت: «قبول دارم برای گرفتن مدرک به خانه بهنام رفتیم، اما قصدی برای کشتن او نداشتیم. این پیشنهاد فریبا بود که ما را گرفتار کرد، چون وکیل بود ما هم قبول کردیم.»

زن جوان نیز به جایگاه رفت و بار دین اظهارات گفت: «دارپوش دروغ می‌گوید. من چنین پیشنهادی ندادم و این تصمیم خودش و دوستانش بود.» دیگر متهمان نیز اتهام اخفا در امله جرم را رد کرد.

در پایان، هیئت قضایی با توجه به مدارک در پرونده، داوود را به اتهام قتل عمد به قصاص، برای مشارکت در اخذ سند به عنف و سرعت، حمل شوکر بدون مجوز به ۱۲ سال حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کرد. نوید نیز به اتهام معاونت در قتل و مشارکت در اخذ سند به عنف و سرعت ۲۵ سال حبس و ۲۴ ضربه شلاق محکوم شد. دارپوش به خاطر سرعت و معاونت در قتل به ۲۵ سال حبس محکوم شد. حمید نیز به ۱۵ سال حبس و ۲ سال تبعید به شهرستان نیکشهر محکوم شد. قضات دادگاه فریبا را هم به خاطر معاونت در قتل به ۱۱ سال حبس و مشارکت در اخذ سند به عنف به ۲۰ ضربه شلاق محکوم کرد. شاهین نیز به خاطر در اختیار گذاشتن پلاک‌های سرقتی به ۹۱ روز حبس تعزیری محکوم شد.

قاتل آتش‌افروز به دام افتاد



موضوع راهی خانه مقتول شدند و از خانواده‌وی تحقیق کردند. یکی از اعضای خانواده مقتول گفت: «پسرم دوست قدیمی به نام بهرام دارد و همیشه همراه او بود. آنها را لرباط خوبی بهم داشتند، اما مدتی قبل احمد به ما گفت که با بهرام اختلاف پیدا کرده‌است. احمد گفت بهرام همیشه او را تهدید به مرگ می‌کند و حتی چند باری با هم درگیر شده‌بودند و الان من احتمال می‌دهم او قاتل پسرم است.» با هدست آمدن این اطلاعات، مأموران بهرام را به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار دادند. مأموران پلیس در تحقیقات میدانی دریافتند وی در خانه برادرش زندگی می‌کرده، اما پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته‌است.

■ بازداشت متهم
در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، در روز قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید قاتل فراری در اطراف خانه برادرش دیده شده‌است. بدین ترتیب مأموران پلیس به دستور قضایی محل را تحت‌نظر گرفتند و متهم را هنگامی که می‌خواست وارد خانه برادرش شود، بازداشت کردند.

متهم ۳۲ ساله صبح دیروز به داندسرای امور جنایی تهران منتقل شد. در حالی که همه شواهد و دلایل حکایت از آن دارد وی مقتول را آتش زده و به قتل رسانده‌است. او می‌قتل را انکار کرد و مدعی شد مقتول را آتش زده است و فقط با او درگیر شده است. متهم در ادامه به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن صحت و سقم ادعایش در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

چون کلید خانه داخل خودرو او جامانده‌بود. وقتی هم فیلم دوربین مداربسته ساختمان را بررسی کردیم، دیدیم احمد وارد خانه برادرش شد و بعد از ساعتی همراه تعدادی وسایل بیرون آمد. مطمئن شدم او سارق خانه برادرش است و به همین خاطر به سراغش رفتم و از او خواستم وسایل را پس دهد، اما قبول نکرد که تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

او از من قوی‌تر بود و زورم به او نمی‌رسید، به همین خاطر تصمیم گرفتم او را با قرض خواب‌آور بی‌هوش کنم و بعد او را تحویل پلیس دهم. روز حادثه او را به پنهان‌صرف مواد به پاتوق کشاندم و داخل لیوان جایش ۱۰ اینکه دستگیر شوم، و نفری با هم به سرقت می‌رفتمی و تمام وسایل سرقتی را هم در اتاقم که در خانه برادرم بود، انبار می‌کردیم تا در فرصت مناسب بفروشیم. من همیشه کلید یدک خانه برادرم را داخل خودروی‌ام گذاشتم تا اینکه دستگیر شدم و یک ماه در زندان بودم. وقتی با کفالت بیرون آمدم، برادرم گفت اموال من سرقت شده‌است. من متوجه شدم علاوه بر اموال برادرم، اموال سرقتی‌مان هم سرقت شده‌است. من به احمد مشکوک شدم،

■ آز مین بینا
مردی که متهم است دوست سارقش را به دلیل دستبرد به خانه برادرش به آتش کشیده و مرگ وی را رقم زده‌است، بازداشت شد.

شامگاه سه‌شنبه ۲۳ فروردین ماه امسال مأموران پلیس تهران به قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل داندسرای امور جنایی تهران خبر دادند مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های شریعی تهران بر اثر سوختگی شدید روی تخت بیمارستان به کام مرگ رفته‌است. مأموران اعلام کردند ساعتی قبل راننده خودروی پرایدی بیکر نیمه‌جان سوخته شده مرد فوت شده را برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کند، اما قبل از اینکه مأموران پلیس و حراست بیمارستان از راه برسند، محل را ترک می‌کند و مرد زخمی در نهایت به خاطر شدت سوختگی به کام مرگ می‌رود. با اعلام خبر مرگ مشکوک مرد جوان بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد مرد فوت شده احمد نام دارد و از سارقان سابقه‌دار بوده و چند سابقه کیفری هم در پرونده‌اش ثبت شده‌است.

از سوی دیگر در بررسی‌های دوربین‌های مشخص شد خودروی پرایدی که بیکر سوخته شده احمد را به بیمارستان منتقل کرده متعلق به خودش است و راننده آن هم مرد ناشناسی است.

■ شناسایی قاتل
همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس برای بررسی

■ گفت‌وگو با متهم
رقم در بدن ندارد و از قیافه‌اش مشخص است که معتاد به موادمخدر است. چرت می‌زند و معلوم است از زمانی که دستگیر شده به او مواد ترسیده و خمار است. می‌گوید از زمانی که معتاد به موادمخدر شده‌است، جریان زندگی‌اش عوض و وارد جرگه سارقان شده‌است. از آن زمان هم زندگی تیر و تازی دارد و الان هم که به اتهام قتل دستگیر شده‌است.

■ متاهل هستی یا مجرد؟
مجردم. کسی به ادم معتاد زن نمی‌دهد. خودم سرباز دیگرانم. زن به چه درد من می‌خورد. البته قبل از اینکه معتاد شوم، زندگی خوبی داشتم. کار می‌کردم، اما هیچ مدرکی نگرفته بودم. جریان زندگی‌ام عوض شد و به خاطر اینکه پول مواد را فراهم کنم، سرقت می‌کردم.

چرا معتاد شدی؟
رفت و آمد با افراد ناباب. کتک‌کاو بودم و می‌خواستم همه چیز را امتحان کنم. فکر می‌کردم اگر سیگار بکشم، بزرگ شدم و با اولین سیگار بدبختی‌ها رو به من کرد.

با مقتول کجا آشنا شدی؟
با مقتول در پاتوق معاندان آشنا شدم. او هم

مثل من معتاد بود که با هم دوست شدیم و با هم به سرقت می‌رفتمی.

از کجا متوجه شدی او وسایل را سرقت کرده‌است؟

ما با هم سرقت می‌کردیم و وسایل سرقتی را هم من در خانه برادرم نگاهداری می‌کردم، چون در آنجا زندگی می‌کردم. دو ماه قبل از اینکه دستگیر شوم، و نفری با هم به سرقت می‌رفتمی و تمام وسایل سرقتی را هم در اتاقم که در خانه برادرم بود، انبار می‌کردیم تا در فرصت مناسب بفروشیم. من همیشه کلید یدک خانه برادرم را داخل خودروی‌ام گذاشتم تا اینکه دستگیر شدم و یک ماه در زندان بودم. وقتی با کفالت بیرون آمدم، برادرم گفت اموال من سرقت شده‌است. من متوجه شدم علاوه بر اموال برادرم، اموال سرقتی‌مان هم سرقت شده‌است. من به احمد مشکوک شدم،

قتل، فرجام درگیری ایستاگرامی

دوستانش چند ساعت قبل در حالی که با اصابت گلوله تنگ و وینچستر زخمی شده بودند برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شوند، اما وی بر اثر شدت خونریزی به کام مرگ می‌رود و دو دوستش تحت درمان قرار می‌گیرند.

■ جرایم ایستاگرامی
مأموران پلیس برای تحقیق به سراغ دو پسر زخمی رفتند و از آنها بازجویی کردند. یکی از دوستان مقتول در ادعایی گفت: «مدتی است با یکی از بچه‌های محلمان به نام ارسلان اختلاف پیدا کرده‌ام. او خودش را گنده لات محل می‌خواند و می‌گوید هیچ‌کسی حق حرف زدن

مقابل او ندارد. من و دوستام رابطه خوبی با او نداریم و چندباری هم با هم مشاجره لفظی داشتیم. اختلافات ما ادامه داشت تا اینکه از مدتی قبل در ایستاگرام برای هم شروع به کری خوانی کردیم و برای هم خط و نشان می‌کشیدیم. شب حادثه هم همراه مقتول و دوست دیگرم برای تفریح به پاتوقمان که فضای سبزی بین بزرگراه لشکری و جاده قدیم کرج است، رفتیم. البته قبل از رفتن به پاتوق مثل همیشه در ایستاگرام من و ارسلان برای هم کری می‌خواندیم. مادر پاتوقمان در حال حرف‌زدن بودیم که ارسلان با وانتی به محل آمد و وقتی ما را دید، شروع به فحاشی کرد و بعد هم گفت همانجا

مفقودی
برگ سبز خودروی هاجک پژو ۶۰۶ مدل ۱۳۹۶ رنگ خاکستری متالیک به شماره پلاک ایران ۳۰-۲۰۵۸۹۶م ۶۵ و شماره موتور ۲۰۸۵۲۰۴۹۹ و شماره شاسی NAAP۱۳FEHJ۱۳۲۸۹۳ متعلق به غلام دیده‌خانی با شماره ملی ۰۲۲۱۱۱۶۳۹۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی
برگ سبز خودروی پراید ۱۲۲ مدل ۱۳۸۹ رنگ سفید به شماره پلاک ایران ۱۴-۵۴۴ ط ۳۸ و شماره موتور ۳۰۴۹۹ و شماره شاسی ۵۵۴۲۰۰۸۹۰۲۱۵۸ متعلق به محمدرضا نیک‌روان مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی
برگ سبز مو تور سیکلت سیستم باجاج تیپ cc۲۰۰ مدل ۱۳۸۸ رنگ آبی به شماره پلاک ۱۲۲۹۸۵ ایران ۳۲۲ و شماره موتور JGGBR۱۵۳۹۵۶ -- و شماره تنه ۲۰۰۰۸۸۱۰۲۴۹***NEO به نام احمد نژادلیبور با شماره ملی ۵۸۴۰۰۱۵۷۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. البرز

مفقودی
برگ سبز مو تور سیکلت سیستم باجاج تیپ cc۲۰۰ مدل ۱۳۸۸ رنگ آبی به شماره پلاک ۱۲۲۹۸۵ ایران ۳۲۲ و شماره موتور JGGBR۱۵۳۹۵۶ -- و شماره تنه ۲۰۰۰۸۸۱۰۲۴۹***NEO به نام احمد نژادلیبور با شماره ملی ۵۸۴۰۰۱۵۷۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. البرز